

سنجش عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی شهروندان در نگهداری فضای سبز در شهر
مشهد (نمونه موردی: منطقه ۳ شهرداری مشهد)

فرزانه رزاقیان (عضو هیأت علمی سازمان جهاددانشگاهی خراسان رضوی، دکتری برنامه‌ریزی شهری، پردیس
بین الملل دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)
farzanehrazzaghian@yahoo.com
سیمین فروغ زاده (عضو هیأت علمی سازمان جهاددانشگاهی خراسان رضوی، کارشناس ارشد جامعه‌شناسی،
دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران، نویسنده مسئول)
foroughzadeh.simin@gmail.com

صص ۱۰۱ - ۷۳

چکیده

هدف: هدف این مقاله بررسی و تبیین میزان مشارکت شهروندان منطقه ۳ شهرداری مشهد در نگهداری فضای سبز است.

روش: نوع تحقیق توصیفی-تحلیلی و روش مطالعه پیمایشی می‌باشد. جامعه آماری شهروندان مشهدی ساکن در منطقه ۳ با جمعیت ۳۸۷۸۶۲ نفر هستند که طبق تقسیمات شهرداری مشهد از نواحی کم‌برخوردار درآمدی بوده و پایین‌ترین سرانه فضای سبز را در بین مناطق سیزده‌گانه شهرداری داراست. حجم نمونه با استفاده از روش کوکران و نمونه‌برداری تصادفی ۳۸۰ نفر است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS و روش‌های آماری آزمون کروسکال والیس، آزمون اسپیرمن و آزمون کندال استفاده شده است. پنج متغیر وضعیت اقتصادی، احساس تعلق و مالکیت، مهاجرت، سطح رضایت از فضای سبز و تحصیلات شهروندان منطقه ۳ به‌عنوان متغیرهای مستقل و میزان مشارکت آن‌ها در نگهداری فضای سبز به‌عنوان متغیر وابسته بررسی شده است.

یافته‌ها/نتایج: نتایج نشان می‌دهد بین پایگاه اقتصادی افراد و میزان مشارکت آن‌ها رابطه معناداری وجود ندارد؛ اما بین متغیرهای احساس تعلق مکانی ساکنان و سطح

رضایت از فضای سبز با میزان مشارکت آن‌ها رابطه معناداری وجود دارد. حاشیه نشینی و مهاجرت از میزان مشارکت می‌کاهد و تحصیلات افراد بر مشارکت آن‌ها اثرگذار نیست.

نتیجه‌گیری: یافته‌های به دست آمده حاکی از آن است که بیشتر شهروندان معتقدند با مشارکت خود می‌توانند در نگهداری فضای سبز تأثیرگذار باشند و هرچه میزان رضایتمندی از خدمات‌رسانی در فضای سبز شهری بیشتر باشد، شهروندان تمایل بیشتری به مشارکت دارند. بنابراین، از آنجایی که اکثر پاسخ‌دهندگان تمایل دارند در این امر با مدیریت شهری همکاری کنند، شایسته است مدیریت شهری برنامه‌های ویژه‌ای را از طریق مردم برای نگهداری فضای سبز اجرا کند.

کلیدواژه‌ها: فضای سبز شهری، مشارکت اجتماعی، منطقه ۳، مشهد، ایران.

۱. مقدمه

رابطه شهر و شهروندی دو سویه است. انسان‌ها شهر را می‌سازند و شرایط شهرها در زندگی آن‌ها تأثیر قاطع و امکان‌ناپذیر دارد (جاجرمی، بیگدلی و حناچی، ۱۳۸۳، ص. ۱۰). مشارکت شهروندان در تصمیم‌گیری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و کلیه فعالیت‌های امور شهری، موضوعی است که همواره مورد توجه مدیران، برنامه‌ریزان و صاحب‌نظران توسعه اجتماعی می‌باشد (عباس زاده، ۱۳۸۷، ص. ۴۴). مشارکت مردم در امور شهری، یکی از عناصر اصلی حکومت مردمی بوده و می‌تواند در ایجاد تعادل شهری، نقش ارزنده‌ای ایفا کند. همچنین، مشارکت عنصر حیاتی در فرایند توسعه پایدار تلقی شده، از آن به‌عنوان حلقه مفقوده فرایند توسعه یاد می‌کنند و به اعتقاد صاحب‌نظران، مشارکت موجب افزایش شایستگی و کرامت در افراد می‌شود (آلموند، مونت و پاول^۱، ۱۳۸۱، ص. ۴۲). برنامه‌ریزان شهری معتقدند که مشارکت، باعث می‌شود شهروندان نسبت به تصمیم‌گیری‌های صورت گرفته در شهر مسئولیت‌پذیر شوند؛ یعنی حمایت عمومی از تصمیم‌گیری‌های اتخاذی از سوی مسئولان، باعث می‌شود متولیان امر به راحتی برنامه‌های خود را عملی کنند (عباس زاده، ۱۳۸۷، ص. ۷۲).

1. Almond, Mont and Pavel

به طور کلی مشارکت مردمی پیامدهای مثبتی برای مردم و مدیران دارد. به دور از هر گونه بزرگ‌نمایی و اغراق، مشارکت باعث تقویت احساس عزت نفس و خوداحترامی (مهم تلقی شدن) مردم، کاهش مقاومت مردمی در برابر تغییرات منتج از تصمیم‌گیری‌های مدیران شهری، ایجاد و افزایش احساس اعتماد، وفاداری و همکاری بین مردم و مدیران و بالاخره باعث انعطاف‌پذیری و شکیبایی مردم می‌شود. به این ترتیب، مدیران شهری می‌توانند با جلب مشارکت مردم بر توانایی‌های مدیریت شهری بیفزایند. در ارتباط با موضوع مقاله حاضر، مشارکت شهروندان در اداره شهر و نگهداری فضای سبز باعث افزایش همکاری‌های اجتماعی و نیز افزایش حس تعلق آنان به شهر و فضای سبز منطقه خود می‌شود و در نهایت جلب مشارکت مردم منجر به ایجاد و تقویت پایه‌های جامعه مدنی نیز می‌شود؛ اما می‌توان گفت که با همه نکات مثبتی که مشارکت مردمی در تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌های شهری دارد، الگوی عملی و دوسویه برای برقراری ارتباط مستمر بین برنامه‌ریزان و مدیران با شهروندان در کشورمان وجود ندارد و موضوع مشارکت نتوانسته است نقش و جایگاه تعیین‌کننده‌ای در طرح‌های اجرایی سازمان‌های دولتی و خصوصی به دست آورد. بنابراین، آنچه اهمیت و ضرورت مقاله حاضر را تشکیل می‌دهد، شناسایی عواملی است که می‌تواند به طور بالقوه بر افزایش و کاهش مشارکت اجتماعی تأثیرگذار باشد.

از سوی دیگر با توجه به استراتژی اساسی در قانون برنامه ملی پنج‌ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی در جهت مردمی کردن هرچه بیشتر شهرداری‌ها و کنترل حمایت لازم توسط دولت، باید زمینه‌های مشارکت شهروندان در گروه‌های مختلف شغلی، قومی و غیره را در اداره امور شهر فراهم کرد. از این طریق می‌توان با واگذاری بخشی از مدیریت شهری و به طور خاص بخش نگهداری فضای سبز به نهادهای مردمی، به اداره امور شهر، شکل پویا و زنده داده و برای مشارکت کامل مردم در امور مختلف شهری زمینه و بستر مناسب را فراهم آورد.

حفظ و احیای فضای سبز شهری یکی از جنبه‌های مهم توسعه پایدار است و بدون درک واقعی زمینه‌های تحقق مشارکت استفاده‌کنندگان به دست نخواهد آمد (زارع، نمیرانیان، فمی و قاسمی، ۱۳۸۹، ص. ۲۷۴). بنابراین، از جنبه‌های نوآورانه این تحقیق می‌توان به بررسی

مشارکت مردمی در مقوله فضای سبز به عنوان یکی از عناصر شهری تأثیرگذار بر کیفیت زندگی شهروندی اشاره کرد. موضوعی که کمتر به آن پرداخته شده و مطالعات منتشر شده کافی وجود ندارد و همچنین بررسی این نوع مشارکت در سطح مناطق کم‌برخوردار همچون منطقه ۳ شهر مشهد که سرانه فضای سبز آن کمتر از استاندارد (۳/۵۳ مترمربع در مقابل ۱۳/۱۴ مترمربع شهر مشهد و ۲۵ مترمربع سرانه بین‌المللی) می‌باشد جنبه دیگر نوآوری این مقاله است.

می‌توان گفت یکی از زمینه‌هایی که رسیدن به اهداف آن بدون مشارکت مردمی ممکن نیست، فضای سبز است و این مسئله برای مدیریت شهر مشهد که سالانه پذیرای میلیون‌ها زائر و گردشگر است، بیش از سایر شهرها ضرورت دارد. بنابراین، از آنجایی که برنامه‌ریزی مشارکتی فرایند دخالت مستقیم مردم در تدوین سیاست‌ها، اولویت‌ها و اهداف است، این مقاله با هدف اصلی بررسی رابطه بین عوامل اجتماعی و میزان مشارکت شهروندان در نگهداری فضای سبز در شهر مشهد (منطقه ۳ شهرداری) بر اساس یافته‌ها و نتایج بررسی میدانی صورت گرفته است؛ اما سؤال اصلی مقاله آن است که چه عواملی بر میزان مشارکت شهروندان مشهدی در نگهداری فضای سبز تأثیرگذار است؟ یا به عبارت دیگر، چه عواملی میزان مشارکت شهروندان در نگهداری فضای سبز را افزایش می‌دهد؟ از عواملی که در بسیاری از تحقیقات به آن اشاره شده، پایگاه اقتصادی افراد، حس تعلق مکانی شهروندان از جهت احساس مالکیت و سابقه سکونت، سطح رضایت شهروندان از فضای سبز، سن و سطح سواد است که باید تأثیرگذاری آن‌ها بررسی شود. البته برخی عوامل، خاص یک منطقه بوده از آن جمله می‌توان به وضعیت مهاجرت و حاشیه‌نشینی اشاره کرد. از آنجایی که منطقه مورد مطالعه منطقه ۳ شهرداری مشهد و یکی از مناطقی است که به علت قرارگیری در حاشیه شهر و قیمت پایین زمین و مسکن، بخش وسیعی از مهاجران روستایی و جمعیت حاشیه‌نشین را در خود جای داده است، در این تحقیق عامل دیگری به نام مهاجرت به عنوان عوامل تأثیرگذار بر مشارکت در مقوله فضای سبز بررسی شده است که یکی دیگر از جنبه‌های نوآورانه این تحقیق می‌باشد. با توجه به این توضیحات، سؤالات تحقیق چنین صورت‌بندی شده است:

۱. آیا میزان مشارکت شهروندان در نگهداری فضای سبز شهر مشهد در بین گروه‌های مختلف اقتصادی متفاوت است؟
۲. آیا بین احساس تعلق مکانی (نوع مسکن و مدت زمان سکونت) شهروندان و میزان مشارکت آن‌ها در نگهداری فضای سبز شهر مشهد رابطه وجود دارد؟
۳. آیا بین مهاجرت شهروندان و میزان مشارکت آن‌ها در نگهداری فضای سبز شهر مشهد رابطه وجود دارد؟
۴. آیا بین سطح رضایت شهروندان از فضای سبز و میزان مشارکت آن‌ها در نگهداری فضای سبز شهر مشهد رابطه وجود دارد؟
۵. آیا بین سطح تحصیلات افراد و میزان مشارکت آن‌ها در نگهداری فضای سبز شهر مشهد رابطه وجود دارد؟

۲. پیشینه تحقیق

مطالعات زیادی درخصوص مشارکت شهروندان در مدیریت شهری در شهرهای مختلف ایران انجام شده است؛ اما به طور خاص در زمینه مشارکت مردم در فضای سبز مطالعات محدود است. برخی از مهمترین و جدیدترین این تحقیقات که مقالات آن منتشر شده است، چنین است:

هندیانی و همتی (۱۳۹۵) در «بررسی نقش مشارکت مالی شهروندان در حفظ و نگهداری فضاهای سبز شهری مطالعه موردی: اراضی عباس آباد» به روش پیمایشی و با نمونه ۳۸۴ نفری از بین شهروندان بالای ۱۸ سال ساکن در منطقه ۳ شهر تهران در بوستان اراضی عباس آباد به این نتیجه رسیدند که ۵۲/۶ درصد پاسخ‌گویان، خرید اوراق قرضه و ۴۶/۲ درصد از آنان طرح‌های مشارکتی با سود مشخص را بر مشارکت در حفظ و نگهداری فضای سبز، مؤثر دانسته‌اند. متغیر مشارکت مالی بر مشارکت در حفظ و نگهداری فضاهای سبز شهری مؤثر است و با افزایش آن، میزان مشارکت در حفظ و نگهداری فضاهای سبز، افزایش می‌یابد. شهروندان مایل به مشارکت در طرح‌هایی هستند که بار مالی کمتر و سود بیشتری دارند.

محمد حسینی، معینی، رضانی و لاهیجانیان (۱۳۹۴) در مقاله «نقش مشارکت مردمی در حفظ، نگهداری و توسعه فضای سبز شهر کرج (مطالعه موردی: منطقه ۸ شهرداری کرج)» با نمونه ۱۵۰ نفری به این نتیجه رسیدند که رابطه سن، جنسیت و سطح تحصیلات با میزان مشارکت بسیار ضعیف است؛ اما رابطه بین میزان آگاهی و مشارکت قوی بوده است. تحقیق بیانگر آن است که بالا بردن سطح آگاهی مردم، در جلب مشارکت در زمینه حفظ، نگهداری و توسعه فضای سبز تأثیر دارد. همچنین، مشخص شد که NGO موجود در منطقه با فعالیت‌های وسیع و گسترده در زمینه حفظ و گسترش فضای سبز در منطقه ۸ و باغ فاتح، نقش بسزایی در جلب مشارکت مردم دارد.

لشگرآرا (۱۳۹۱) در پژوهشی به شناسایی «راهکارهای جلب مشارکت شهروندان منطقه ۱۹ تهران در توسعه فضای سبز (بوستان ولایت)» پرداخت. وی در این تحقیق که به شیوه پیمایشی انجام شد، به این نتیجه رسید که از دیدگاه شهروندان برگزاری انواع کلاس‌ها و کارگروه‌های آموزشی در بوستان ولایت، آگاه‌سازی شهروندان از تبعات صدمه زدن به فضای سبز، برگزاری برنامه‌های شاد، موسیقی، تئاتر و مسابقات در پارک‌ها، تشریح با ارزش بودن مقوله مشارکت، تشویق شوراهای محلی برای شرکت در فعالیت‌های مربوط به فضای سبز در محله مربوط به خود، تلفیق دیدگاه‌های عمومی و افراد متخصص و آموزش مشارکت به کودکان از مقاطع پایین تحصیلی (در مدارس یا تبلیغات مخصوص کودکان) تأثیر مثبتی بر توسعه فضای سبز بوستان ولایت داشته است.

در «بررسی تمایل شهروندان به مشارکت در فعالیت‌های حفاظت و توسعه فضای سبز شهر تهران» که توسط عباسی، باسامی و کابلی (۱۳۹۲) انجام شد، این نتیجه به دست آمد که تمایل به مشارکت ۵۴/۱ درصد شهروندان در سطح بالایی است. شهروندان نواحی نیمه‌حاشیه‌ای از شهروندان نواحی مرکزی و حاشیه‌ای تمایل بیشتری به مشارکت داشتند. این پژوهش نشان داد بین تعداد نهال‌های دریافت‌شده، تعداد دفعات دریافت نهال در سال‌های اخیر، ادراک شهروندان از کارکردهای فضای سبز، آگاهی از عوامل تخریب‌کننده فضای سبز، نگرش به سرمایه‌گذاری در توسعه فضای سبز و تحصیلات با تمایل شهروندان به مشارکت در حفاظت و توسعه فضای سبز رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

زارع، نمیرانیان، فمی و قاسمی (۱۳۸۹) در تحقیقی با عنوان «نقش سرمایه اجتماعی در مشارکت شهروندان در امور پارک‌های جنگلی تهران» در تحلیل رگرسیونی به این نتیجه رسیدند که مشارکت و سرمایه اجتماعی، ارتباط دوسویه و متقابلی دارند. به موجب این تحقیق، افزایش سطح سرمایه اجتماعی در شهروندان و به دنبال آن ایجاد تمایل در افراد برای مشارکت در امور شهری مانند فعالیت در پارک‌های جنگلی و فضاهای سبز، موضوعی مهم و انکارناپذیر است. بنابراین، سرمایه اجتماعی در این بخش اهمیت زیادی دارد و توجه به شاخص‌ها و مؤلفه‌های آن و ارتقای سطح سرمایه اجتماعی، می‌تواند نقش مهمی در پیشبرد اهداف آرمانی این بخش حیاتی ایفا کند.

در خارج از کشور نیز مطالعاتی انجام شده است. به چند مورد از جدیدترین تحقیقات در ادامه پرداخته شده است:

سوتیریا^۱ و یی او تا^۲ (۲۰۱۷) در تحقیقی با عنوان «الگوهای حاکمیت مشارکتی در برنامه ریزی و مدیریت فضاهای سبز شهری. ارزیابی‌های اولیه از طریق تجربه اروپا و یونان» به این موضوع پرداخته‌اند که در دهه گذشته در اروپا سیاست‌های رسمی مدیریت و برنامه‌ریزی فضاهای سبز شهری به چارچوب‌هایی جدید و "انعطاف پذیر" تبدیل شده‌اند که یک شبکه وسیع از کنشگران جامعه مدنی را در بر می‌گیرد. از طریق بررسی سیاست‌ها و روش‌های مشارکت در اروپا، تحقیقی اولیه در خصوص الگوهای غالب "حاکمیت مشارکتی" صورت گرفته است. به منظور بررسی اینکه در چه شرایطی و چگونه مشارکت شهروندان می‌تواند به عنوان یک سازوکار رشد در زمینه برنامه‌ریزی و مدیریت فضاهای سبز باز عمل کند. هدف از این تحقیق آن است که آیا این الگوها می‌توانند به مسائل زیست‌محیطی پیچیده‌ای که شهرهای یونان با آن مواجه هستند، پاسخ دهند. از طریق تجربه یونان در می‌یابیم که بسیاری از روش‌های مبتنی بر الگوی «از پایین به بالا»، گرچه می‌توانند به‌عنوان یک فرصت دیده شوند؛ اما نمی‌توانند به‌عنوان یک سازوکار تعیین‌کننده عمل کنند.

1. Sotiria

2. Yiota

متیجسن^۱، وندرجات^۲، بوجس^۳، الاندس^۴، ارلوین^۵ و لافورتزا^۶ (۲۰۱۷) در مقاله‌ای با عنوان «چشم‌اندازهای بلندمدت در زمینه مدیریت شهروندان نسبت به فضای سبز شهری: از ایجاد فضا تا حفظ فضا» در مورد مدیریت بلندمدت یا نگهداری از فضای سبز شهری توسط شهروندان بحث می‌کنند و عوامل مؤثر و مهارکننده‌ای را که در این فرایند نقش مهمی ایفا می‌کنند، بررسی می‌کند. در حالی که از نظر تاریخی، مقامات مسئولیت اداره فضای سبز عمومی را به عهده دارند، دخالت شهروندان در مدیریت فضای سبز افزایش یافته است. در این مقاله به سه نمونه اروپایی که با دخالت درازمدت شهروندان در نگهداری از یک مکان انجام شده، اشاره شده است. در این مطالعه مصاحبه با مطلعان کلیدی در زمینه مدیریت فضای سبز انجام شد و تحلیل نتایج نشانگر عوامل سهیم در تداوم این مدیریت است و نیز نشان‌دهنده چالش‌ها و مشکلاتی است که شهروندان تجربه کرده‌اند. براساس برداشت‌های میدانی، سه عامل دارای اهمیت ویژه در این زمینه است: قوانین و روش‌های ایجادشده در گروه‌های مختلف مردمی، ظرفیت انطباق شهروندان با تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خارجی در طول زمان و نقش حمایتی مقامات در قانونی کردن و حمایت از نگهداری از مکان توسط شهروندان. مقامات می‌توانند فرایند نگهداری از مکان‌ها توسط شهروندان را با تأمین امنیت از طریق سیاست‌های پایدار پستی‌بانی کنند.

جی سوس^۷ و ساید^۸ (۲۰۱۴) در مقاله‌ای با عنوان «موانع مشارکت در حفظ فضاهای عمومی محله»، مشارکت عمومی در ایجاد حس مسئولیت ساکنان نسبت به محله خود را مهم دانستند؛ اما بررسی‌های آن‌ها نشان داد که مفهوم حفظ فضاهای عمومی محلی هنوز یک مفهوم غیررایج در کشور مالزی است. مسئولیت حفظ فضای عمومی همیشه صرفاً به‌عنوان وظیفه مقامات محلی دانسته شده است. میزان علاقه عمومی در تمایل به مشارکت با سهولت و راحتی

1. Mattijssen
2. Van der Jagt
3. Buijs
4. Elands
5. Erlwein
6. Laforteza
7. Jausus
8. Said

مشارکت در امور عمومی در ارتباط است. این که تا چه حد فرآیند مشارکت برای عموم مردم آسان است، احتمالاً بر انگیزه عمومی برای مشارکت تأثیر می‌گذارد. از این رو، هدف این مقاله بررسی موانعی است که مانع مشارکت مردم در حفظ فضاهای عمومی محله می‌شود. این مطالعه در یکی از نواحی بزرگ مسکونی در کوالالمپور انجام شد. ۲۲۹ پرسش‌نامه باز در میان ساکنان توزیع شد و نتایج نشان داد که کمبود وقت و فقدان یک مجموعه هماهنگ‌کننده فعالیت‌های مشارکتی به‌عنوان موانع مشارکت عمومی عمل می‌کنند.

آگوستینو^۱ (۲۰۰۶) به این نتیجه رسید که دو شاخص اصلی سرمایه اجتماعی، یعنی اعتماد و مشارکت در تعیین سطح کلی میزان مشارکت نقش اساسی دارند. اوکی^۲، حسین^۳، دنگ^۴ و لنتون^۵ نیز (۲۰۰۵) در آلاباما در زمینه نگرش افراد نسبت به فضای سبز و پارک‌های شهری و تمایل به مشارکت، تحقیقی با استفاده از پرسش‌نامه انجام دادند. این تحقیق نشان داد افراد دارای شغل تمام وقت، کمتر از ۵۶ سال، با درآمد سالیانه بیش از ۷۵۰۰۰ دلار و آگاهی نسبی از برنامه‌های نگهداری فضای سبز شهری، تمایل بیشتری به مشارکت داوطلبانه در برنامه‌های مربوط به نگهداری فضای سبز شهری دارند و نژاد و محل سکونت افراد رابطه معناداری با تمایل به مشارکت ندارد. همچنین، نتایج پژوهش کارور^۶ (۲۰۰۰) نشان داد مقدار استفاده از اینترنت و سطح تحصیلات با مشارکت مردم در زمینه فضای سبز شهری رابطه مثبت و معناداری دارد. در یک جمع‌بندی از مرور پیشینه می‌توان گفت تحقیقات بسیاری در خصوص مشارکت شهروندان در امور شهر انجام و منتشر شده است. این تحقیقات عمدتاً به موضوعاتی نظیر مشارکت در طرح‌ها و فرایند توسعه شهری، مدیریت شهری، اداره امور شهری، مدیریت پسماند خانگی، حکومت محلی و مشارکت الکترونیکی و غیره است. از سوی دیگر در زمینه فضاهای سبز شهر نیز پژوهش‌های مختلفی انجام شده است. در این دست از پژوهش‌ها، بررسی و تحلیل فضای سبز شهر، ارزیابی و مکان‌یابی، نقشه‌برداری و

1. Agostino
2. Yaoqi
3. hussein
4. Deng
5. Lenton
6. Carver

توسعه فضاهای سبز شهر، محور اصلی مطالعه بوده است و مطالعات اجتماعی نیز از منظر آسیب‌شناسی و یا مطالعه احساس امنیت اجتماعی در فضای سبز بوده است. تنها در تعداد معدودی از تحقیقات این دو متغیر؛ یعنی مشارکت شهروندان و فضای سبز به هم پیوند خورده‌اند که چکیده آن‌ها در این مقاله آمد.

۳. روش‌شناسی تحقیق

۳.۱. روش تحقیق

پژوهش حاضر در پی تلفیق دو شاخص مشارکت اجتماعی شهروندان و نگهداری فضای سبز است. لازمه انجام چنین پژوهشی، برخورداری از دیدگاهی است که قابلیت همه‌جانبه‌نگری داشته باشد. بنابراین، نوع تحقیق به صورت توصیفی-تحلیلی بوده و روش مطالعه اسنادی، تحلیلی و پیمایشی بوده است. برای تکمیل اطلاعات موجود از منابع اولیه پرسش‌نامه استفاده شده است. جامعه آماری مورد مطالعه، شهروندان منطقه ۳ شهر مشهد بوده‌اند و روش نمونه‌گیری تصادفی بوده است. برآورد حجم نمونه نیز با استفاده از روش کوکران و با توجه به جمعیت سال ۹۴ در منطقه ۳ (۳۸۷۸۶۲ نفر) محاسبه شد که طبق آن ۳۸۰ نفر به دست آمد. ابزار گردآوری داده‌ها، منابع کتابخانه‌ای و پرسش‌نامه بوده است و از طریق نرم‌افزار SPSS تجزیه و تحلیل داده‌ها انجام شده است. روش‌های آماری به کار رفته در این تحقیق، آزمون‌های کروسکال والیس، اسپیرمن و کندال بوده است. در طراحی پرسش‌نامه نیز جهت تعیین روایی و پایایی آن در راستای هدف تحقیق از مصاحبه با صاحب‌نظران و کارشناسان این حوزه و روش آلفای کرونباخ (ضریب پایایی: ۰,۷۸) بهره‌گیری شده است.

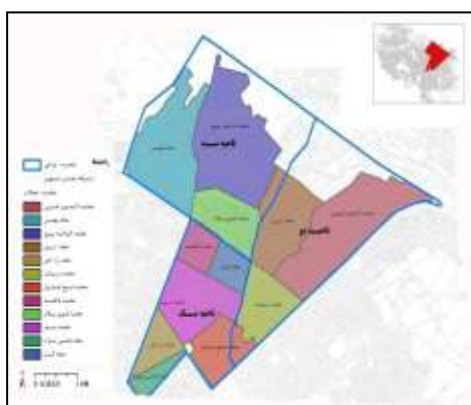
برای تبیین مشارکت شهروندان مشهدی در نگهداری از فضای سبز شهری، متغیرهای مستقل و وابسته چنین تدوین شده است:

متغیرهای مستقل: وضعیت اقتصادی (شغل)، احساس تعلق مکانی (نوع مالکیت)، وضعیت مهاجرت (مدت زمان سکونت)، سطح رضایتمندی شهروندان از فضای سبز شهری، تحصیلات متغیر وابسته: مشارکت شهروندان در نگهداری فضای سبز شهری.

۲.۳. منطقه مورد مطالعه

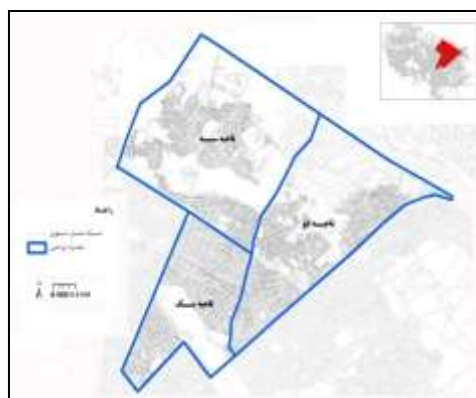
منطقه سه به‌عنوان یکی از مناطق سیزده‌گانه شهر مشهد با وسعتی معادل ۳۳۱۱ هکتار (۹,۴ درصد وسعت شهر) و جمعیتی بالغ بر ۳۸۷۸۶۲ نفر (۱۳,۸۱ درصد جمعیت شهر) در سال ۱۳۹۴ در محدوده‌ای که از مرکز تا شمال شهر مشهد امتداد یافته، استقرار پیدا کرده است (آمارنامه شهر مشهد، ۱۳۹۴). نرخ رشد جمعیت منطقه ۳/۴۷٪ در مقابل نرخ رشد ۲/۵۵٪ شهر مشهد می‌باشد. سرانه فضای سبز منطقه نیز ۳/۵۳ مترمربع در مقابل ۱۳/۱۴ مترمربع سرانه کل شهر مشهد است که پایین‌ترین سرانه فضای سبز را در بین مناطق شهرداری مشهد داراست. علاوه بر این ۲۴/۱ درصد جمعیت حاشیه‌نشین شهر مشهد در این منطقه زندگی می‌کنند و به دلیل قیمت پایین زمین و مسکن و همچنین قرارگیری در حاشیه شهر مورد استقبال مهاجران و حاشیه‌نشینان زیادی واقع شده است. تمامی کاربری‌ها جز مساجد (که یک کاربری فرهنگی و مذهبی است) با استاندارد خود فاصله بیشتر از ۸۰ درصد دارد (رهنما، رزاقیان، آقاجانی و امیرفخریان، ۱۳۹۳، ص. ۹۵). منطقه سه شهرداری مشهد دارای بافت فرسوده میراثی و بافت فرسوده حاشیه‌ای است که از این حیث این منطقه در شهر مشهد یک استثنا است. بخش‌هایی از جنوب این منطقه دارای بافت میراثی بوده و بخش‌هایی از شمال آن نیز دارای بافت‌های حاشیه‌ای است (فرهاد، ۱۳۸۸، ص. ۵۲). علاوه بر این سطح درآمدی ساکنان منطقه سه شهرداری، متوسط و رو به پایین می‌باشد که بیانگر وضعیت اقتصادی نامناسب ساکنان این محدوده است و در تقسیم‌بندی نواحی درآمدی شهرداری نیز جزء مناطق کم برخوردار می‌باشد. از سایر مشکلات این منطقه می‌توان به اعتیاد، فساد اجتماعی، فقر بهداشتی، فقر فرهنگی و وجود مشاغل مزاحم اشاره کرد (یوسفی و ورشوئی، ۱۳۸۹، ص. ۱۵۵). بر اساس طرح‌های فرادستی شهر مشهد، منطقه سه شهرداری محل استقرار پهنه‌های صنعتی و حمل و نقل، ارائه‌کننده خدمات دروازه‌ای (طرح تفصیلی خازنی، ۱۳۷۰)، مرکز زیارت و فراغت، توسعه فعالیتهای تجاری در محورهای مجاور با حرم مطهر (طرح جامع مهران، ۱۳۹۰)، وجود راسته‌های با عملکرد شهری و فراشهری می‌باشد و آلودگی‌های صوتی، بصری و هوا به دلیل استقرار فعالیت‌های مربوط به خدمات اتومبیل، راه آهن، فضای زندگی

افشار متوسط و کم درآمد شهری را مختل نموده است (طرح جامع توسعه و عمران کلان‌شهر مشهد، ۱۳۸۶). موقعیت منطقه سه در شهر مشهد در اشکال ۱ تا ۴ نشان داده شده است.



شکل ۲- محدوده محلات در منطقه ۳

مأخذ: جهاد دانشگاهی مشهد، ۱۳۹۳



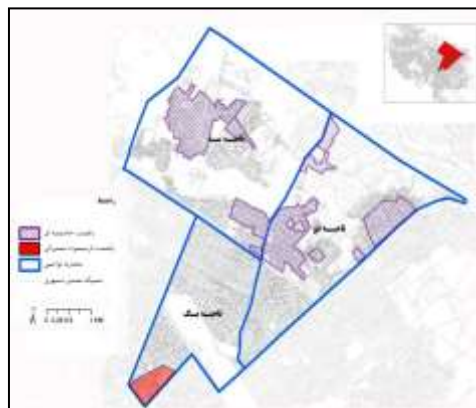
شکل ۱- موقعیت منطقه ۳ در شهر مشهد

مأخذ: جهاد دانشگاهی مشهد، ۱۳۹۳



شکل ۴- موقعیت پارک‌ها در منطقه ۳

مأخذ: جهاد دانشگاهی مشهد، ۱۳۹۳



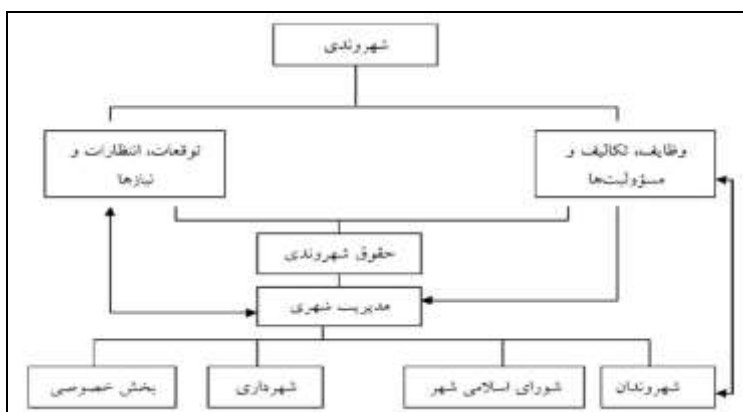
شکل ۳- بافت‌های حاشیه‌ای و میراثی در منطقه ۳

مأخذ: جهاد دانشگاهی مشهد، ۱۳۹۳

۴. مبانی نظری

مشارکت شهروندی از سال ۱۹۵۰، موضوع دامن‌داری در حوزه برنامه‌ریزی بوده است و برنامه‌ریزان شهری تلاش کردند در تصمیم‌گیرهای شهری از نظرات شهروندان مطلع شوند و

با همکاری آنان برنامه‌های خود را عملی سازند. شکل ۵ ارتباط میان مدیریت شهری، شهروندی و حقوق شهری را نشان می‌دهد.



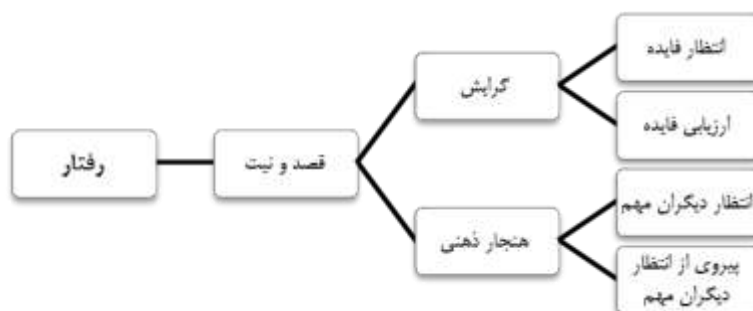
شکل ۵- ارتباط بین مدیریت شهری، شهروندی و حقوق شهروندی

مأخذ: صرافی و عبدالمهی، ۱۳۸۷

با توجه به عرصه‌های مشارکت می‌توان چهار نوع مشارکت را از هم تفکیک کرد: مشارکت خانوادگی، فرهنگی، سیاسی، و اجتماعی. در این پژوهش تأکید اصلی بر مشارکت اجتماعی است که امروزه از الزامات زندگی شهری به شمار می‌رود و می‌تواند مدیریت و برنامه‌ریزی را به شدت تحت تأثیر قرار دهد. در جامعه‌شناسی شهری، مشارکت، وسیله تبدیل شهرنشینان بی تفاوت به شهروندان صاحب حقوق و مسئولیت فردی و اجتماعی است (فارکس^۱، ۲۰۰۰، ص. ۱۲۹). از مشارکت به عنوان فرآیندی یاد می‌شود که توسط آن مردم بر ساختارها، سازمان‌ها و مسئولان تأثیر می‌گذارند تا خدمات شهری مناسب در اختیارشان نهاده شود. بنابراین، مشارکت باعث افزایش ظرفیت مردم در اداره امور محلی بوده و به نوعی با توانمندسازی مردم همراه است (اسچابلر^۲، ۱۹۹۶، ص. ۱۵۸) به لحاظ نظری، طبق تعریف پاتنام از سرمایه اجتماعی، مشارکت یکی از عناصر اصلی سرمایه اجتماعی است و دیگر عناصر آن عبارتند از: شبکه‌ها، ارزش‌های مشترک و اعتماد (گنجی و ستوده، ۱۳۹۰، ص. ۹۹)

1. Faurks
2. Schubler

از آنجا که مشارکت نوعی کنش محسوب می‌شود، تبیین آن هم در قالب نظریات مرتبط با کنش امکان‌پذیر است. برخی از نظریه‌ها برای شناخت و تبیین مشارکت اجتماعی بر تمایل، انگیزه، گرایش و رفتار مشارکت تأکید داشته و برخی دیگر زمینه‌ها، شرایط و عناصر ساختاری مشارکت را محور قرار داده‌اند. نظریه کنش موجه یا معقول فیش باین و آیزن^۱ (۱۹۹۰) از تئوری‌های برجسته رفتار اجتماعی است که روی متغیرهای فردی و روان‌شناختی - اجتماعی در تبیین رفتارهای اجتماعی تأکید دارند. به عقیده آن‌ها رفتار در حالتی قابل پیش‌بینی و قابل درک خواهد بود که ما به قصد شخص در رفتار و در شرایط خاصی توجه کنیم و فقط نگرش‌های او را نسبت به آن رفتار مورد توجه قرار ندهیم. الگوی آنان نشان می‌دهد که قصد‌ها به نگرش‌ها و هنجارهای مرتبط با رفتار متکی است. هنجارها در حکم قواعد رفتار یا شیوه‌های خاص عمل است (محسنی، ۱۳۷۹، به نقل از میرعباسی و حسن پور، ۱۳۸۹، ص. ۵). در این تئوری، گرایش‌ها، به طور مستقیم بر رفتار تأثیر ندارند، بلکه گرایش‌ها بر نیت ما تأثیر می‌گذارند و این نیت است که رفتار ما را شکل می‌دهند (اوری^۲، ۲۰۰۰، ص. ۱۹۷). به عبارتی بر اساس این تئوری، رفتار، تابع قصد و نیت است و قصد و نیت به رفتار، خود تابع، گرایش به سوی آن رفتار (تابع انتظار فایده و ارزیابی فایده) و هنجار ذهنی (تابع انتظارات افراد مهم یا انتظارات دیگران و انگیزه برای پیروی از انتظارات دیگران) است (رفیع پور، ۱۳۷۲، به نقل از میرعباسی و حسن پور، ۱۳۸۹، ص. ۵).



شکل ۶- شکل‌گیری رفتار طبق نظریه فیش باین و آیزن

مأخذ: میرعباسی و حسن پور، ۱۳۸۹

1. Fishbein & Ajzen

2. Urry

نظریه کنش اجتماعی پارسونز هم از جمله نظریات معتبری است که به شرایط و عناصر ساختاری کنش پرداخته است. پارسونز^۱ کنش را در برگیرنده حالات احساسی، فکری، رفتاری دانسته که بر اساس الگوهای عملی، ساخت یابی و جهت گیری می شوند.

مشارکت اجتماعی از یک سو به عنوان کنش تحت تأثیر هنجارهای بیرونی و از سوی دیگر متأثر از حالات فکری، اعتقادی و احساسی درونی و ارتباط میان آن ها است که به صورت عوامل مشروط کننده و کنترل کننده نظام شخصیت در تعامل افراد با جامعه مورد توجه قرار می گیرد. در وقوع یک کنش اجتماعی، منفعت طلبی، جمع گرایی و کسب رضایت از عوامل اصلی به شمار می روند که متأثر از شرایط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه هستند (روشه^۲، ۱۳۷۴، به نقل از موسایی و شبانی، ۱۳۸۹، ص. ۲۵۰).

در این راستا پارسونز در تحلیل کنش، به ساختار توجه داشته و فرایند آن را چنین توضیح می دهد: «کنش که یک فراگرد فعالانه، خلاقانه و ذهنی است، از چهار عنصر سازنده تشکیل شده است. نخست آنکه واحد کنش به وجود یک کنشگر نیاز دارد. دوم آنکه واحد کنشی مستلزم هدف یا وضعیتی آتی است که کنشگر نسبت به آن جهت گیری می کند. سوم آنکه این کنش در موقعیتی انجام می گیرد که مستلزم دو عنصر است: چیزهایی که کنشگر نمی تواند تحت نظارتشان داشته باشد (شرایط) و دیگر آن چیزهایی که کنشگر می تواند بر آنها نظارت داشته باشد (وسایل) و چهارم آنکه هنجارها و ارزش ها در جهت تعیین گزینش وسایل دستیابی به هدفها نقش بازی می کنند» (ریتزر^۳، ۱۳۷۴، ص. ۵۲۹، به نقل از نوابخش و جوشقانی، ۱۳۹۱، ص. ۱۱۲). پارسونز ضمن تشریح فرایند فوق معتقد است که عمل به وسیله انرژی جسمانی و روانی و تحت تأثیر نیازهای شخصی و نظام اجتماعی و با هدایت فرهنگی؛ یعنی باورها و ارزش ها و هنجارها تحقق می یابد (ترنر^۴، ۱۳۸۲، ص. ۴۹).

علاوه بر دو دسته نظریه فوق (نظریه هایی که برای شناخت و تبیین مشارکت اجتماعی بر تمایل، انگیزه، گرایش و رفتار مشارکت تاکید دارند و نظریه هایی که به شرایط و عناصر

-
1. Parsons
 2. Roche
 3. Ritzer
 4. Turner

ساختاری مشارکت توجه دارند)، نظریه مبادله نیز در این حوزه کاربرد دارد. در نظریه مبادله، هومنز با طرح قضایای مختلف، رفتارها را بیش از آن که حاصل باورها و گرایش‌ها بدانند، نتیجه محاسبه سود و زیان تلقی کرده است. بدین معنا که رفتارها از جمله مشارکت زمانی شکل گرفته، مثبت شده و جنبه نهادی می‌یابند که منافع حاصل از آن بر هزینه‌ها فزونی داشته باشد و افزایش و گسترش آن هم تابع تصور فرد از منافع عینی بیش از هزینه‌ها است. در این قلمرو مسئله پاداش، تنبیه، انگیزه، ارزش و موفقیت خود را آشکار می‌سازد (ریتزر، ۱۳۷۳، به نقل از موسایی و شیانی، ۱۳۸۹، ص. ۵۴). بنابراین، اگر مشارکت برای انسان همراه با کسب امتیاز و ارزیابی مثبت از نتیجه کنش باشد، تداوم یافته و تکرار خواهد شد.

با مرور دیدگاه‌ها و نظریه‌ها، می‌توان دریافت که مشارکت اجتماعی پدیده‌ای چندبعدی است و تحقق آن نیاز به شرایط و الزامات خاصی دارد. طبق چارچوب نظری فوق، رفتارهای مشارکتی متأثر از زمین‌های عینی و ذهنی و عوامل بیرونی و درونی است. این عناصر در ارتباط متقابل میان اعضای جامعه در کنش‌های اجتماعی شکل می‌گیرد و توسط ساختارهای جامعه مشروط می‌شود. بنابراین، با وجود چنین مداخلات و تأثیرپذیری که کنش دارد، انسان در موقعیت‌های واقعی (نظیر مشارکت در نگهداری فضای سبز) باید تصمیم بگیرد که چه عملی را انجام دهد و چگونه رفتار کند. به این منظور تحقیق حاضر با الهام از نظریات اشاره شده، به بررسی عوامل و شرایطی می‌پردازد که بر میزان مشارکت اجتماعی شهروندان مشهدی در نگهداری فضای سبز شهر مشهد اثرگذار است.

۵. یافته‌های تحقیق

۵.۱. بررسی متغیرهای تحقیق

همانطور که در روش تحقیق توضیح داده شد، متغیرهای تحقیق در جهت تبیین مشارکت شهروندان مشهدی در نگهداری از فضای سبز شهری، پنج متغیر وضعیت اقتصادی (شغل)، احساس تعلق مکانی (نوع مالکیت)، وضعیت مهاجرت (مدت زمان سکونت)، سطح رضایتمندی شهروندان از فضای سبز شهری و تحصیلات می‌باشند که در ادامه به توضیح هر

یک پرداخته شده است. در نهایت نیز وضعیت مشارکت شهروندان در نگهداری فضای سبز به عنوان متغیر وابسته تحقیق توضیح داده شده است.

۵.۱.۱. وضعیت اقتصادی (شغل) پاسخ‌گویان

بررسی وضعیت شغلی پاسخ‌گویان نشان می‌دهد که ۶۸ درصد از آنان دارای شغل آزاد می‌باشند. همچنین، ۱۵/۵ درصد دارای شغل دولتی و ۱۶/۵ درصد نیز بیکار می‌باشند.

۵.۱.۲. احساس تعلق مکانی (نوع مالکیت)

بررسی وضعیت مالکیت (نوع مسکن) پاسخ‌گویان نشان می‌دهد که ۵۴،۱۱ درصد از آن‌ها مالک، ۴۴،۶ درصد مستاجر و ۱،۲۷ درصد در خانه‌های سازمانی زندگی می‌کنند.

۵.۱.۳. وضعیت مهاجرت (مدت زمان سکونت)

از آنجایی که یکی از مشخصه‌های ویژه منطقه ۳، وجود جمعیت وسیع حاشیه‌نشین و مهاجران می‌باشد. بنابراین، در این تحقیق، مدت زمان سکونت به عنوان یکی از متغیرها بررسی شده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که ۵۹،۱۸ درصد ساکنین زیر ۵ سال در منطقه سکونت دارند، این میزان برای ساکنینی که بین ۵ تا ۱۰ سال در منطقه سکونت دارند برابر ۶،۳۳ درصد است. ۱۹،۳ درصد از ساکنین بین ۱۰ تا ۱۵ سال، ۹،۴۹ درصد بین ۱۵ تا ۲۰ سال و تنها ۵،۷ درصد از ساکنان بیش از ۲۰ سال در منطقه ساکن هستند.

۵.۱.۴. سطح رضایتمندی از فضای سبز

بررسی وضعیت رضایتمندی از فضای سبز در بین شهروندان منطقه ۳ شهرداری مشهد نشان می‌دهد که ۶۳،۲۹ درصد میزان رضایتمندی خود را خیلی کم، ۱۳،۶۱ درصد خیلی زیاد، ۱۱،۷۱ درصد متوسط، ۶،۹۶ درصد کم و ۴،۴۳ درصد زیاد بیان کرده‌اند.

۵.۱.۵. سطح تحصیلات

بررسی میزان تحصیلات پاسخ‌گویان نشان می‌دهد که بیشترین تعداد پاسخ‌گویان؛ یعنی ۷۴/۳ درصد آنان دارای تحصیلات دیپلم و کمتر از آن می‌باشند، (۱۴/۲ درصد دیپلم و ۶۰/۱ درصد زیر دیپلم) و در حدود ۲ درصد دارای تحصیلات کارشناسی می‌باشند. همچنین، ۲۳/۷ درصد نیز بی‌سواد می‌باشند.

۵. ۱. ۶. بررسی سایر متغیرهای مرتبط با مشارکت شهروندان در نگهداری فضای سبز

برای بررسی وضعیت مشارکت شهروندان در نگهداری فضای سبز، علاوه بر پنج متغیر فوق، ۱۲ گویه دیگر مورد استفاده قرار گرفت که بر مبنای دو مقیاس ترتیبی و اسمی می‌باشد. نتایج نشان‌دهنده آن است که ۱۷/۴ درصد از شهروندان منطقه سه شهرداری مشهد از پارک‌های موجود در منطقه استفاده می‌کنند. حدود ۶۶/۱ درصد جمعیت ساکن منطقه، تعداد پارک‌ها را بسیار کم ارزیابی کرده‌اند و تنها ۵/۴ درصد تعداد پارک را مناسب و زیاد دانسته‌اند. ۳۱/۶ درصد از شهروندان ساکن منطقه، از پارک‌های محله‌ای، ۲۵/۳ درصد از پارک‌های منطقه ای، ۳۷/۳ درصد از پارک‌های با عملکرد شهری و ۵/۷ درصد از جمعیت ساکن منطقه نیز از فضای سبز موجود در حومه و پیرامون شهر استفاده می‌کنند. نتایج نشان می‌دهد تنها ۹/۸ درصد از شهروندان به صورت روزانه از پارک‌ها و فضای سبز موجود در منطقه استفاده می‌کنند و ۴۱/۱ درصد تنها یکبار در ماه و ۲۱/۲ درصد نیز هر دو ماه یکبار به پارک‌های منطقه می‌روند. ۷۰/۳ درصد از شهروندان نسبت به وضعیت فضای سبز منطقه رضایت نداشته و تنها ۲۹/۷ درصد وضعیت فضاهای سبز موجود را مطلوب ارزیابی کرده‌اند. این در حالی است که ۷۲/۵ درصد از ساکنان منطقه اهمیت فضای سبز را در زندگی خود بالا و ۲۷/۵ درصد نیز میزان اهمیت آن را پایین و متوسط دانسته‌اند. در حدود ۵۴/۴ درصد نبود دسترسی مناسب به پارک‌ها را مشکل اصلی آن‌ها دانسته‌اند. ۱۶/۱ درصد نبود امنیت و ۲۶/۳ درصد نبود امکانات و ۳/۲ درصد نیز نبود روشنایی را مشکل اساسی دانسته‌اند. درباره موضوع میزان اطلاع‌رسانی به شهروندان در مورد طرح‌های اجرایی در فضای سبز، ۶۶/۴ درصد وضعیت را نامناسب و ۳۳/۶ درصد مناسب ارزیابی کرده‌اند؛ اما در خصوص نظر خواهی در رابطه با اجرای طرح‌های فضای سبز ۵۱/۹ درصد وضعیت را نامناسب و ۴۸/۱ درصد نحوه نظرخواهی را مناسب ارزیابی کرده‌اند. ۵۴/۸ درصد میزان تبلیغات از سوی مدیریت شهری برای نگهداری از فضای سبز را ضعیف، ۹/۴ درصد متوسط و ۳۵/۸ درصد نیز خوب ارزیابی کرده‌اند. همچنین، شهروندان ساکن در منطقه نسبت به طرح‌های اجرایی اظهار رضایت داشته‌اند به طوری که

۱. در مواردی که جمع درصد‌ها در گویه‌ها زیر ۱۰۰ می‌باشد، تعدادی از پاسخ‌دهندگان گزینه "سایر" را انتخاب کرده‌اند که به دلیل عدم تأثیر در نتیجه‌گیری، لحاظ نشده است.

۹۲/۴ درصد از شهروندان از اجرای طرح‌های موجود در فضای سبز اظهار رضایت کرده‌اند و تنها ۷/۶ درصد نسبت به این طرح‌ها رضایت نداشته‌اند. درباره موضوع نوع همکاری شهروندان با مدیریت شهری در مورد فضای سبز، ۳۷/۳ درصد به حفظ و نگهداری فضای سبز تمایل نشان داده‌اند که ۹/۸ درصد در کاشت، ۲۲/۸ درصد در اطلاع‌رسانی و ۴/۷ درصد در آبیاری ابراز تمایل کرده‌اند.

۵. ۱. ۷. وضعیت مشارکت شهروندان در نگهداری فضای سبز (متغیر وابسته تحقیق)

بررسی وضعیت مشارکت شهروندان در نگهداری فضای سبز منطقه سه شهرداری مشهد نشان می‌دهد که ۵۹,۴۹ درصد مشارکت خود را خیلی زیاد، ۱۸,۳۵ درصد متوسط، ۹,۱۸ کم، ۷,۵۹ درصد زیاد و ۴,۷۵ درصد خیلی کم بیان داشته‌اند.

۵. ۲. آزمون فرضیه‌ها

۵. ۲. ۱. فرضیه اول

به نظر می‌رسد میزان مشارکت شهروندان در نگهداری فضای سبز شهری در بین گروه‌های مختلف اقتصادی متفاوت می‌باشد. با توجه به این که داده‌ها از نوع ناپارامتریک و مقیاس داده‌ها از نوع اسمی می‌باشد، برای آزمون فرضیه فوق از آزمون کروسکال والیس استفاده شد. از آنجایی که مقدار سطح معنی داری در این آزمون بالاتر از ۰,۰۵ می‌باشد. بنابراین، تفاوت موجود بین پایگاه‌های اقتصادی در خانوارها بر میزان مشارکت شهروندان اثر ندارد. بنابراین، فرضیه اول تحقیق رد می‌شود. جدول شماره ۱ رابطه این دو متغیر را بیان می‌کند.

جدول ۱- آزمون کروسکال به منظور بررسی رابطه بین نگهداری فضای سبز و گروه‌های مختلف اقتصادی

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۶

رتبه‌ها		تعداد	میانگین رتبه	آزمون کای اسکوتر	درجه آزادی	سطح معناداری
اشتغال						
میزان مشارکت	آزاد	۲۵۸,۰۰	۱۴۳,۰۳	۰,۷۳۱	۲	۰,۶۹۳
	دولتی	۵۹,۰۰	۱۴۶,۱۹			
	بیکار	۶۳,۰۰	۱۳۴,۲۳			
	کل	۳۸۰,۰۰				

۵.۲.۲. فرضیه دوم

به نظر می‌رسد بین احساس تعلق مکانی شهروندان و میزان مشارکت آن‌ها در نگهداری فضای سبز رابطه مستقیم وجود دارد. با توجه به مقیاس داده‌ها برای آزمون فرضیه فوق از آزمون اسپیرمن استفاده شد. نتایج حاصل از آزمون نشان‌دهنده آن است که بین میزان مشارکت در نگهداری فضای سبز و احساس مالکیت شهروندان رابطه مستقیم وجود دارد که رقم به دست آمده ۰٫۸۹۱ می‌باشد. همچنین، نتایج حاصل با سطح معناداری ۹۵ درصد قابل تأیید می‌باشد. بنابراین، فرضیه فوق تأیید می‌شود. جدول شماره ۲ نشان‌دهنده میزان احساس تعلق مکانی و رابطه آن با میزان مشارکت می‌باشد.

جدول ۲- آزمون اسپیرمن به منظور بررسی احساس تعلق مکانی (مالکیت) و میزان مشارکت

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۶

		مالکیت	میزان مشارکت
آزمون اسپیرمن	مالکیت	ضریب همبستگی	۰٫۸۹
		سطح معناداری	۰٫۰۳
		تعداد	۰٫۰۳۸۰
	میزان مشارکت	ضریب همبستگی	۰٫۸۹
		سطح معناداری	۰٫۰۳
		تعداد	۰٫۰۳۸۰

۵.۲.۳. فرضیه سوم

به نظر می‌رسد بین مهاجرت شهروندان و میزان مشارکت آن‌ها در نگهداری فضای سبز رابطه منفی وجود دارد. نتایج حاصل از آزمون نشان‌دهنده آن است که بین میزان مشارکت در نگهداری فضای سبز و مهاجرت رابطه منفی وجود دارد که رقم به دست آمده ۰/۶۳- است. همچنین، نتایج حاصل با سطح معناداری ۹۵ درصد قابل تأیید می‌باشد. بنابراین، این فرضیه نیز تأیید می‌شود. جدول شماره ۳ رابطه مهاجرت و میزان مشارکت را نشان می‌دهد.

جدول ۳- بررسی ارتباط بین مهاجرت و مشارکت

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۶

		مهاجرت	میزان مشارکت
آزمون اسپیرمن	مهاجرت	ضریب همبستگی	۱.۰۰
		سطح معناداری	۰.۰۳
		تعداد	.۰۰۳۸۰
	میزان مشارکت	ضریب همبستگی	-۰.۶۳
		سطح معناداری	۰.۰۳
		تعداد	.۰۰۳۸۰

۴.۲.۵. فرضیه چهارم

به نظر می‌رسد بین سطح رضایت شهروندان از فضای سبز و میزان مشارکت آن‌ها در نگهداری آن رابطه مستقیم وجود دارد. برای آزمون فرضیه فوق از آزمون کندال استفاده شد. نتایج حاصل از آزمون نشان‌دهنده آن است که بین میزان مشارکت در نگهداری فضای سبز و سطح رضایت شهروندان از فضاهای سبز موجود رابطه مستقیم وجود دارد که رقم به دست آمده ۰,۴۶ است. همچنین، نتایج حاصل با سطح معناداری ۹۵ درصد قابل تأیید می‌باشد. بنابراین، این فرضیه نیز تأیید می‌شود. جدول شماره ۴ رابطه سطح رضایت شهروندان از فضاهای سبز و میزان مشارکت را نشان می‌دهد.

جدول ۴- بررسی ارتباط بین سطح رضایت شهروندان و میزان مشارکت

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۶

		میزان مشارکت	رضایت
کندال	میزان مشارکت	ضریب همبستگی	۱.۰۰
		سطح معناداری	۰.۰۲
		تعداد	.۰۰۳۸۰
	سطح رضایت	ضریب همبستگی	۰.۴۶
		سطح معناداری	۰.۰۲
		تعداد	.۰۰۳۸۰

۵.۲.۵. فرضیه پنجم

به نظر می‌رسد بین سطح تحصیلات افراد و میزان مشارکت آن‌ها در نگهداری فضای سبز رابطه مستقیم وجود دارد. نتایج حاصل از آزمون نشان‌دهنده آن است که بین میزان مشارکت در نگهداری فضای سبز و سطح تحصیلات افراد رابطه منفی وجود دارد که رقم به دست آمده $-۰,۰۵۴$ می‌باشد. همچنین، نتایج حاصل با سطح معناداری ۹۵ درصد قابل تأیید می‌باشد. بنابراین، این فرضیه رد می‌شود. جدول شماره ۵ ارتباط بین سطح تحصیلات افراد و میزان مشارکت آن‌ها در نگهداری فضای سبز را نشان می‌دهد.

جدول ۵- بررسی ارتباط بین سطح تحصیلات و میزان مشارکت شهروندان

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۶

		میزان مشارکت	سطح تحصیلات
کنندال	میزان مشارکت	ضریب همبستگی	$-۰,۰۵۴$
		سطح معناداری	۰,۳۱
		تعداد	۰,۰۳۸۰
	سطح تحصیلات	ضریب همبستگی	$-۰,۰۵۴$
		سطح معناداری	۰,۳۱
		تعداد	۰,۰۳۸۰

۶. نتیجه‌گیری

- این مطالعه وضعیت مشارکت ساکنان منطقه ۳ شهر مشهد را چنین گزارش می‌کند:
- ارزیابی شهروندان از پیامدهای مشارکت مثبت بوده، بیشتر شهروندان معتقد بودند که می‌توانند با مشارکت کردن خود در نگهداری فضای سبز و در نتیجه مدیریت شهری تأثیرگذار باشند.
 - بین پایگاه اقتصادی افراد و مشارکت آن‌ها تفاوت وجود ندارد. به این معنا که افراد در گروه‌های مختلف اقتصادی، میزان مشارکت یکسانی در فضای سبز داشته و بنابراین پایگاه اقتصادی آن‌ها عاملی تأثیرگذار بر میزان مشارکت آن‌ها نمی‌باشد.

- بین متغیرهای احساس تعلق به محل سکونت و میزان مشارکت آن‌ها در فضای سبز رابطه معناداری وجود دارد؛ یعنی شهروندانی که به محل سکونت خود وفادار بوده، احساس تعلق خاطر بیشتری می‌کنند و شهروندانی که چنین احساسی را دارند، به مشارکت در امور نگهداری فضای سبز شهری علاقه‌مند هستند.
 - بین مهاجرت شهروندان و میزان مشارکت آن‌ها در نگهداری فضای سبز رابطه منفی وجود دارد که با استفاده از آزمون اسپیرمن نشان داده شد که در محدوده‌هایی که مهاجرت بیشتر است؛ یعنی جمعیت مهاجر در آن مناطق سکونت دارند، مشارکت کمتر می‌باشد و رابطه منفی بین آن‌ها تأیید شد.
 - هر چه میزان رضایتمندی از خدمات‌رسانی در پارک‌ها و فضای سبز شهری بیشتر باشد، به همان میزان شهروندان تمایل بیشتری به مشارکت در نگهداری فضای سبز دارند و بنابراین رابطه مستقیمی بین این دو متغیر وجود دارد.
 - سطح تحصیلات افراد بر میزان مشارکت آن‌ها تأثیرگذار نمی‌باشد.
- این در حالی است که اکثر شهروندان اهمیت فضای سبز در زندگی خود را زیاد می‌دانند و مهمترین مشکلات پارک‌های منطقه خود را نبود دسترسی مناسب، کمبود امنیت و نبود امکانات و روشنایی مناسب بیان کرده‌اند. آن‌ها میزان اطلاع‌رسانی را از سوی مدیریت شهری در خصوص طرح‌های اجرایی فضای سبز ضعیف دانسته؛ اما از نحوه نظرخواهی از آن‌ها در خصوص اجرای طرح‌های فضای سبز مربوط به منطقه خود تقریباً نیمی راضی و نیمی دیگر ناراضی هستند. آن‌ها از نحوه اجرای طرح‌های موجود فضای سبز رضایت دارند؛ اما میزان تبلیغات از سوی مدیریت شهری برای نگهداری از فضای سبز را ضعیف می‌دانند.
- از مقایسه تحقیق حاضر با آنچه در پیشینه تحقیق آورده شده است چنین نتیجه‌گیری می‌شود که ارتباطی بین سطح تحصیلات و میزان مشارکت وجود ندارد (محمد حسینی، معینی، رضانی و لاهیجانیان، ۱۳۹۴) و در این تحقیق نیز تأیید شد. همچنین، سطح درآمدی و وضعیت اقتصادی نیز در مشارکت بی‌تأثیر است که در تحقیقات گذشته و این مقاله نیز همین نتیجه بدست آمده است. مهاجرت به‌عنوان ویژگی منحصر به فرد منطقه سه در این مقاله در مشارکت اثر معکوس داشته و عباسی، باسامی و کابلی (۱۳۹۲) نیز به این نتیجه رسیدند که

شهروندان نواحی نیمه‌حاشیه‌ای از شهروندان نواحی حاشیه‌ای و مرکزی تمایل بیشتری به مشارکت دارند.

در رابطه با نوع همکاری شهروندان با مدیریت شهری در رابطه با فضای سبز نیز می‌توان گفت که نزدیک ۶۰ درصد از ساکنان منطقه سه میزان مشارکت خود را خیلی زیاد دانسته‌اند و این تمایل آن‌ها بیشتر در زمینه‌های کاشت درختان، اطلاع‌رسانی به مردم محله و آبیاری فضای سبز می‌باشد. تحقیقات گذشته نیز نشان می‌دهد که بالا بردن سطح آگاهی مردم در جلب مشارکت آن‌ها در زمینه حفظ و نگهداری فضای سبز اثربخش است (محمدحسینی، معینی، رضایی و لاهیجانیان، ۱۳۹۴). همچنین، به لحاظ مدیریتی بسیاری از روش‌های مبتنی بر الگوی از "پایین به بالا" اگرچه می‌توانند به‌عنوان یک فرصت تلقی شوند؛ اما نمی‌توانند به‌عنوان سازوکار تعیین‌کننده عمل نمایند (سوتیریا^۱ و یی او تا^۲، ۲۰۱۷). مسئولیت اداره فضای سبز از گذشته به عهده مسئولان و مدیران شهری بوده است. اخیراً شاهد افزایش مشارکت شهروندان در این امور هستیم؛ اما چالش‌ها و مشکلات این نوع مشارکت را باید در قوانین حمایتی مربوط به مشارکت شهروندان جستجو کرد (متیجسن^۳، وندرجات^۴، بوجس^۵، الاندس^۶، ارلوین^۷ و لافورتزا^۸، ۲۰۱۷، جی سوس^۹ و ساید^{۱۰}، ۲۰۱۴).

می‌توان اینگونه نتیجه‌گیری کرد که برای انجام امور شهری همچون مشارکت شهروندان در نگهداری فضای سبز اگرچه متغیرهای زیادی تاثیرگذار است؛ اما وجود نگاه از "بالا به پایین" و وضع قوانین حمایتی از مشارکت شهروندان و ایجاد یک مجموعه هماهنگ‌کننده فعالیت‌های مشارکتی از سوی مقامات مسئول شهری می‌تواند اثرگذار باشد.

1. Sotiria
2. Yiota
3. Mattijssen
4. Van der Jagt
5. Buijs
6. Elands
7. Erlwein
8. Laforteza
9. Jausus
10. Said

۷. پیشنهادها و راهکارهای تحقیق

با توجه به نتایج بدست آمده، راهکارهای زیر پیشنهاد می‌شود:

۱. وضع قوانین حمایتی از سوی مدیران شهری برای مشارکت شهروندان در زمینه فضای سبز (به‌عنوان مثال تخفیفات عوارض سالانه برای مشارکت‌کنندگان)
۲. از آنجایی که اکثر پاسخ‌دهندگان به همکاری با مدیریت شهری در مقوله نگهداری فضای سبز تمایل نشان داده‌اند، شایسته است که مدیریت شهری نیز برنامه‌های ویژه‌ای را از طریق مردم برای نگهداری فضای سبز اجرا کند. بنابراین، برگزاری جلسات مستمر مدیران با مردم در زمان‌های مشخص، نظرخواهی از آن‌ها در مورد مشکلات فضای سبز و طرح‌های اجرایی فضای سبز، تبلیغات مؤثر و مناسب و راه-اندازی شوراهای محلی در خصوص برنامه‌های فضای سبز برای اقشار مختلف جامعه می‌تواند راهگشای مشارکت شهروندان در نگهداری فضای سبز شود.
۳. پیشنهاد می‌شود برای توسعه سرمایه اجتماعی تلاش شود تا سطح اعتماد اجتماعی در جامعه افزایش یابد. یکی از راهکارهای مناسب در این زمینه این است که مسئولان به وعده‌های که به مردم می‌دهند، عمل نمایند که این امر باعث بهبود سطح اعتماد اجتماعی در جامعه می‌شود. اعتماد اجتماعی بالا، نتایج مفید و قابل ملاحظه‌ای برای جامعه به ارمغان می‌آورد. از یک سو انگیزه مردم را برای مشارکت در امور داوطلبانه و همچنین رویدادهای مختلف افزایش می‌دهد و از سوی دیگر، به توسعه و تحکیم روابط، پیوندها و شبکه‌های اجتماعی که نقش بسزایی در سرمایه اجتماعی افراد ایفا می‌کند منجر می‌شود.
۴. جلوگیری از گسترش حاشیه‌نشینی در سطح منطقه؛ چراکه حاشیه‌نشینی به دلیل عدم وجود حس تعلق خاطر به منطقه زندگی‌شان، تمایل به مشارکت در امور شهری و نگهداری فضای سبز ندارند.
۵. افزایش سرانه فضای سبز منطقه و ساخت پارک‌های جدید، بزرگ و مناسب با توجه به وجود زمین‌های بایر به‌عنوان مکانی مناسب جهت تبدیل به فضای سبز و همچنین

- برقراری امنیت و ایجاد امکانات و تسهیلات لازم و روشنایی مناسب در پارک‌های موجود.
۶. مساعدت رسانه‌ها، شبکه‌های استانی و محلی و وسایل ارتباط جمعی در جهت فرهنگ سازی، مخصوصاً اطلاع‌رسانی در خصوص ضرورت شرکت داوطلبانه شهروندان در امور مربوط به پارک‌ها.
۷. برگزاری جشن‌ها و مراسم محلی در فضای سبز محلات برای بالا بردن تعلق اجتماعی شهروندان.
۸. جلب اعتماد شهروندان از طریق به فعلیت رساندن نظرات آنان.
۹. طراحی سایت‌های نظرخواهی و برقراری روابط الکترونیکی در زمینه افزایش میزان مشارکت شهروندان در نگهداری فضای سبز.

کتاب‌نامه

۱. آلموند، گ.؛ مونت، ر.ج. و پاول، ب. (۱۳۸۱). چارچوبی نظری برای بررسی سیاست تطبیقی. (ترجمه، ع. ر. طیب). تهران: انتشارات مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.
۲. ترنر، ج. (۱۳۸۲). ساخت نظریه جامعه‌شناختی. (ترجمه، ع. لهستانی‌زاده). شیراز: انتشارات نوید شیراز.
۳. جاجرمی، الف؛ بیگدلی، ح. و حناچی، م. (۱۳۸۳). مدیریت شهری پایدار. چاپ دوم. تهران: انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور.
۴. رفیع پور، ف. (۱۳۷۲). سنجش‌گرایی روستاییان به جهاد سازندگی. تهران: انتشارات ارغنون.
۵. رهنما، م. ر؛ رزاقیان، ف؛ آقاجانی، ح. و امیرفخریان، م. (۱۳۹۳). جهاددانشگاهی خراسان رضوی، طرح پژوهشی: پژوهشی پیرامون امکان‌سنجی ایجاد و مدیریت پایگاه داده‌های مکانی شهرداری منطقه سه مشهد. جهاد دانشگاهی مشهد.
۶. ریتزر، ج. (۱۳۷۳). نظریه‌های جامعه‌شناسی. (ترجمه، ا. غروی زاد). تهران: انتشارات ماجد.
۷. زارع، س؛ نمیرانیان، م؛ فمی، ح. و قاسمی، ج. (۱۳۸۹). نقش سرمایه اجتماعی در مشارکت شهروندان در امور پارک‌های جنگلی (مطالعه موردی: شهر تهران). *مجله جنگل ایران*، ۴ (۲)، ۲۸۵-۲۷۳.

۸. سازمان مسکن و شهرسازی. (۱۳۷۰). *طرح تفصیلی خازنی*. مشهد: سازمان مسکن و شهرسازی.
۹. سلیمانی، م. (۱۳۸۷). نقش سرمایه اجتماعی در توسعه اقتصادی، مروری بر مطالعات انجام شده. *مجله توسعه راهبرد*، ۵ (۱۶)، ۱۷۹-۱۶۳.
۱۰. صرافی، م؛ عبدالمهی، م. (۱۳۸۷). تحلیل مفهوم شهروندی و ارزیابی جایگاه آن در قوانین، مقررات و مدیریت شهری کشور. *فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی*، ۶۳ (۴۰)، ۱۳۴-۱۱۵.
۱۱. مهندسین مشاور آرمانشهر. (۱۳۸۶). *طرح جامع توسعه و عمران کلان‌شهر مشهد، حوزه میانی شرقی کلان‌شهر مشهد*. مشهد: اداره کل طرح‌ها و مطالعات فنی و شهری.
۱۲. مهندسین مشاور مهرآزان. (۱۳۹۰-۱۳۷۰). *طرح جامع مشهد*. مشهد: اداره کل مسکن و شهرسازی خراسان.
۱۳. عباس زاده، م. (۱۳۸۷). *بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در امور شهر (مطالعه موردی: شهر اصفهان)*. رساله دکتری منتشر نشده جامعه‌شناسی. دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.
۱۴. عباسی، ع؛ باسامی، الف. و کابلی، ن. (۱۳۹۲). بررسی تمایل شهروندان به مشارکت در فعالیت‌های حفاظت و توسعه فضای سبز شهر تهران. *نشریه محیط زیست طبیعی (مجله منابع طبیعی ایران)*. ۶۶ (۴)، ۳۹۹-۴۱۰.
۱۵. گنجی، م؛ هلالی ستوده، م. (۱۳۹۰). رابطه گونه‌های دینداری و سرمایه اجتماعی (رویکردی نظری و تجربی در بین مردم شهرستان کاشان). *مجله علمی-پژوهشی جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۲ (۲)، ۱۲۰-۹۵.
۱۶. لشگرآرا، ف. (۱۳۹۱). *راهکارهای جلب مشارکت شهروندان منطقه ۱۹ تهران در توسعه فضای سبز بوستان ولایت*. پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد رشته علوم اجتماعی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار، گرمسار، ایران.
۱۷. محسنی، م. (۱۳۸۹). *بررسی آگاهی‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی- فرهنگی در ایران*. تهران: دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی کشور.
۱۸. محمد حسینی، ف؛ معینی، الف؛ رضانی، ر؛ لاهیجانیان، الف. (۱۳۹۴). نقش مشارکت مردمی در حفظ، نگهداری و توسعه فضای سبز شهر کرج (مطالعه موردی: منطقه ۸ شهرداری کرج). *فصل-نامه علوم و تکنولوژی محیط زیست*، ۱۷ (۴)، ۱۶۴-۱۴۵.
۱۹. مرکز آمار ایران. (۱۳۹۴). *سالنامه آماری شهر مشهد*. ص. ۲۵۸.

۲۰. موسایی، م. و شیانی، م. (۱۳۸۹). مشارکت در امور شهری و الزامات آن در شهر تهران. فصل‌نامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی. ۱۰ (۳۸)، ۲۶۸-۲۴۵.
۲۱. مهندسان مشاور فرهاد. (۱۳۸۸). طرح توسعه و عمران (جامع) کلان‌شهر مشهد. مطالعات پایه محیط انسان ساخت، بافت فرسوده. مشهد: اداره کل مسکن و شهرسازی خراسان.
۲۲. میرعباسی، الف؛ حسن پور، م. (۱۳۸۹). شناسایی عوامل مؤثر بر مشارکت زیست‌محیطی با کمک نظریه کنش موجه. کرمان، سیزدهمین همایش ملی بهداشت محیط ایران. صص. ۳۵۶-۳۴۵.
۲۳. نوابخش، م. و جوشقانی، ز. (۱۳۹۱). عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر میزان مشارکت دانش‌آموزان در فعالیت‌های دانش‌آموزی. مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، ۴ (۴)، ۱۲۱-۱۰۸.
۲۴. همتی، ن؛ هندیانی، ع. و قدمی، م. (۱۳۹۳). بررسی نقش مشارکت شهروندان در حفظ و نگهداری فضاهای سبز شهری و راهکارهای آن (مطالعه موردی اراضی عباس آباد). مجله مطالعات مدیریت شهری، ۶ (۱۷)، ۵۳-۴۱.
۲۵. هندیانی، ع؛ همتی، ن. (۱۳۹۵). بررسی نقش مشارکت مالی شهروندان در حفظ و نگهداری فضاهای سبز شهری (مطالعه موردی: اراضی عباس آباد). اولین همایش بین‌المللی اقتصاد شهری با رویکرد اقتصاد مقاومتی، اقدام و عمل، با همکاری انجمن علمی اقتصاد شهری ایران. ۲۹ اردیبهشت ۱۳۹۵. تهران، سالن همایش بانک شهر.
۲۶. یوسفی، ع. و ورشوئی، س. (۱۳۸۹). نابرابری اجتماعی در فضای شهری مشهد (برآوردی از نابرابری های درآمدی و تحصیلی در نواحی شهر). مجله مطالعات اجتماعی ایران، ۴ (۴)، ۱۶۳-۱۵۴.

27. Agostino, M. J. (2006). *Citizenship and service education (CASE): An assessment of service learning and its impact on social capital* (Unpublished doctoral dissertation). New Jersey, USA.
28. Carver, S. (2000). *Public participation in local decision making*. UK: Scholl of Geography, University of Leeds.
29. Faurks, K. (2000). *Citizenship*. London, UK: Rutledge
30. Jausus, N. & Said, I. (2014). *Barriers to Participation in Neighbourhood Public Space maintenance*. Paper presented in The first International conference of IASUR (International Alliance for Sustainable Urbanization and Regeneration), Kashiwa City, Chiba.
31. Mattijssen, T.J.M., Van der Jagt, A.P.N., Buijs, A.E., Elands, B.H.M., Erlwein, S., & Laforteza, R. (2017). The long-term prospects of citizens managing urban green space: From place making to place-keeping?. *Urban Forestry & Urban Greening Journal*, 16 (26), 78-84.

32. Schubler, P. (1996). *Participation and partnership in urban management and infrastructure*. Washington D. C: Programme by World Bank.
33. Sotiria, C., & Yiota, T. (2017). Patterns of participative governance in planning and management of urban green spaces: Initial assessments through the European and Greek experience. In A. Gospodini (Ed.), *Proceedings of the International Conference on Changing Cities III Spatial, Design, Landscape & Socio-economic Dimensions* (pp. 45-61). Greece: Grafima Publications.
34. Urry, J. (2000). Sociology Beyond Societies, Mobilization for Twenty first Century. *Teaching Sociology*, 28(4), 392-393
35. Yaoqi, Z., hussein, A.R., Deng, J.G., & Lenton, N. (2005). Public Attitudes Toward Urban Trees and Supporting Urban Trees Program. *Environment and behavior*, 39 (6), 797-814.